

تبیین بیانیه گام دوم بر اساس الگوی حرکت

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۱ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۸ کاظم محدثی*
و نجف لکزایی** و نرجس اسمعیل نیا***

چکیده

تبیین بیانیه گام دوم با استفاده از الگوی حرکت، مسأله اصلی مقاله حاضر است. دلیل پرداختن به این مسأله، اهمیت بیانیه گام دوم به عنوان دستورالعمل و نقشه راه مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری است. روش به کار گرفته شده در این مقاله، الگوی حرکت علامه طباطبایی است که در این روش، مؤلفه‌های محرک، متحرک، مبدأ، مقصد، زمان و مکان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این روش، در بیانیه گام دوم، محرک انگیزه‌های الهی، علم و پژوهش است و متحرک‌ها سه دسته هستند: جوانان، جامعه ایران و امت اسلام. مبدأ شروع، چهل سال دوم انقلاب اسلامی است. زمان در نظر گرفته شده برای این حرکت، بازه زمانی تقریباً پنجاه ساله که طی آن ایران به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کند و مکان این حرکت در مرحله اول، ایران و جامعه اسلامی ایران و در مرحله دوم، امت اسلامی است و در نهایت، مقصد، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و فراهم‌شدن زمینه ظهور ولایت عظمی، امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این مطلب است که تحقق گام دوم نیز هم‌چون گام اول انقلاب، مرهون مؤلفه‌هایی است که در رأس آن‌ها عمل کردن به رهنمودهای امام و رهبر جامعه می‌باشد.

واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم، الگوی حرکت، تمدن نوین اسلامی

* دانشجوی دکتری دانشگاه باقر العلوم :7 kazem.mohadesi@gmail.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم :7 nlakzaee@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد: narjes.esma1361@gmail.com

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، نوری تازه به خط مشی فکری انقلابی جوانان و ملت شریف ایران، برای آینده این کشور و این جهان، تاباندند و به نکات ژرفی اشاره نمودند که نوید افق روشن آینده و کم کردن فاصله بین باید‌ها و واقعیت‌ها را به جوانان و ملت انقلابی می‌دهد و بدون شک اسرار پیروزی و رسیدن به غایت نهایی انقلاب در آن نهفته است و با توجه به تأکید بر آینده انقلاب، در کنار تأکید بر حضور جوانان، وظیفه هر وجدان آگاه، چیزی جز تأمل عمیق در فهم جریان‌های کنونی جهان و درک وجدان آگاه خود، نخواهد بود.

بدون شک این بیانیه را از جنبه‌های گوناگون و عمیقی می‌توان تحلیل کرد و نکات ژرف آن را بیرون کشید. اما در این مقاله، نگارنده سعی بر این دارد که با استفاده از الگوی حرکت، مؤلفه‌های مطرح‌شده از جانب مقام معظم رهبری را تبیین کند.

چارچوب مفهومی و نظری

نظریه یا الگوی حرکت و مفاهیم متخذ از آن، مبنای تحلیل در این مقاله می‌باشد. بر اساس این چارچوب مفهومی و نظریه یا الگوی حرکت که از سوی علامه طباطبایی^۱ ارائه شده است، حرکت از نظر وجود به شش امر نیاز دارد: اول مبدأ و آن نقطه‌ای است که حرکت از آن شروع می‌شود. دوم منتها و آن غایتی است که حرکت به سوی آن متوجه است. سوم مسافت و آن چیزی است که حرکت در آن واقع می‌شود و آن همان «مقوله» است. چهارم موضوعی که برای آن حرکت می‌باشد و آن همان «متحرک» است و پنجم فاعلی که حرکت به آن قائم است و او همان «محرک» است. ششم مقداری که حرکت به واسطه آن اندازه گرفته می‌شود و آن «زمان» است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۵۴-۲۵۳).

هر حرکتی به شش چیز تعلق دارد: اول، مبدئی که حرکت از آن آغاز می‌شود. دوم، منتهایی که حرکت بدان ختم می‌گردد. فی المثل ماشینی از قم به سوی تهران حرکت

می‌کند؛ قم و تهران مبدأ و انتها می‌باشند، این مبدأ و انتها مبدأ و منتهای حقیقی هستند. یعنی واقعاً حرکت از این نقطه آغاز و به آن نقطه پایان پذیرفته است. اما گاهی مبدأ و انتها اعتباری هستند؛ مانند آن‌که در مسیر قم - تهران ما یک حدود و مقاطعی را فرض می‌کنیم که وصول ماشین به آن نقطه پایان برای حرکت قبل و آغاز برای حرکت بعد باشد. فی‌المثل مسیر فوق دارای صد و چهل کیلومتر است، ما پایان هر کیلومتر را بر حسب فرض، پایان حرکت قبلی و آغاز حرکت بعدی به حساب می‌آوریم. این مبدأ و انتها را مبدأ و منتهای اعتباری می‌گویند. سوم، مسافتی که حرکت در آن واقع می‌شود و مسافت همان «مقوله» است. فی‌المثل دانه گندمی در بستر زمین کاشته می‌شود و به سوی تکامل حرکت می‌کند، جوانه می‌زند و سپس از زمین می‌روید، آن‌گاه کامل‌تر می‌شود و به مرحله باروری می‌رسد. این حرکت از لحظه شروع تا پایان در مقوله جوهر که دانه گندم باشد، واقع شده است و گاهی حرکت در مسافتی که از قبیل اعراض است، واقع می‌شود. مانند حرکت رنگ سیب که از رنگ سبز به زرد و سپس قرمز منتقل می‌شود یا کمیت آن افزون بر حالت سابق می‌گردد. این‌جا حرکت در بستر مقوله «کیف» یا «کم» واقع شده است و نظیر این‌ها حرکت در سایر اعراض است (همان، ص ۲۲۲).

چهارم، موضوعی که حرکت بدان قائم است که همان متحرک می‌باشد. مانند ماشین که متحرک است یا دانه گندم یا رنگ سیب یا کمیت آن در مثال‌هایی که گذشت، همه موضوع حرکت می‌باشند و این‌ها متحرک به حرکت خاص خود هستند. پنجم، فاعلی که حرکت را به وجود می‌آورد. فی‌المثل موتور محرکه ماشین که ماشین را حرکت می‌دهد یا قوه نباتیه در نباتات یا قوه حیوانی در حیوانات که آنان را به پیش می‌رانند. ششم، مقداری که با آن حرکت را اندازه می‌زنند. مانند واحد دقیقه یا ساعت یا شب و روز و هفته و ماه و سال. فی‌المثل می‌گوییم کره زمین چه مقدار باید حرکت کند تا یک بار به دور کره خورشید بچرخد؟ در پاسخ می‌گوییم سیصد و شصت و پنج روز؛ یعنی حرکت کره زمین به دور خورشید با واحد زمانی روز و شب محاسبه می‌شود. همان‌طور که می‌گوییم این ماشین چند ساعت حرکت می‌کند تا به مقصد برسد یا این

نطفه چه مقدار زمان به خود اختصاص می‌دهد تا حرکت جوهری او به سوی انسانیت به یک انسان کامل تبدیل شود. در جواب می‌گوییم نه ماه. پس با واحد زمان، حرکت را اندازه می‌گیریم (دهقانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۰ و طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۲).

آنچه مسلم است، این است که در گام دوم هم چون سایر پدیده‌های دارای حرکت، از میان شش مؤلفه مورد بحث در الگوی حرکت، مؤلفه ششم (مقصد) یا همان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است که مهم‌ترین مؤلفه می‌باشد و سایر مؤلفه‌ها در راستا و در جهت این مؤلفه تعریف و تبیین می‌شوند.

تبیین توصیه‌های مطرح‌شده در بیانیه گام دوم با الگوی حرکت

به منظور بهره‌مندی بیش‌تر از توصیه‌های مطرح‌شده از سوی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و نیز در راستای نیل به هدف و منظور از نگارش مقاله، لازم است توصیه‌های مطرح‌شده از ناحیه معظم له در قالب مؤلفه‌های شش‌گانه الگوی حرکت تبیین شود.

مبدأ و محرک‌های حرکت

بی‌شک مبدأ حرکت ما در گام دوم با گام اول متفاوت است؛ چرا که در گام اول (بر فرض این‌که مبدأ گام اول را ۱۵ خرداد ۴۲ قرار بدهیم)، امام خمینی ۱ انقلاب را تنها راه تغییر وضع اجتماعی نمی‌دانستند، بلکه قبل از هر چیز معتقد به اصلاح حاکمان از طریق پند و اندرز و نصیحت هیأت حاکمه از طریق مسالمت‌آمیز بودند (دهشیری، ۱۳۷۷، ش ۲۶، ص ۳۶) و در صورتی که پند و اندرزها و سپس مجادله‌ها مؤثر واقع نمی‌گردید، در آن صورت راه اصلاح وضع موجود، همانا تغییر آن از طریق مقابله با رژیم حاکم و اقدام برای انقلاب عمومی به منظور سقوط نظام حاکم تشخیص داده می‌شد. از این‌رو، امام خمینی ۱ قائل به اعمال قاعده تدریج در مورد اصلاح هیأت حاکمه بودند (همان)؛ یعنی در صورتی که با نصیحت و ارشاد، حاکمان وقت حاضر به تغییرات رفتاری و اصلاح نظام سیاسی نمی‌شدند، آن‌گاه دست‌زدن به انقلاب، امری اساسی و ضروری تلقی می‌گردید.

آنچه از اندیشه امام خمینی 1 استنباط می‌شود، ما را به این نظریه رهنمون می‌سازد که حضرت امام بر «بنای حکومت اسلامی در ام القری» به عنوان گام اولیه در تحقق تأکید داشتند و در این رابطه، وجه ذهنی انقلاب؛ یعنی آگاهی و بیداری را مقدم بر وجه عینی انقلاب؛ یعنی تغییر نظام‌های فاسد و برقراری حکومت اسلامی می‌دانستند و صرفاً پس از تحقق ثبات در ام القری و در صورت وجود امکانات و شرایط لازم و کافی برای صدور انقلاب در سایر کشورهای اسلامی بود که فراگیر شدن گستره نهضت اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دادند که در این رابطه نیز هدف از ترویج و صدور انقلاب را ابتدا بیداری و تغییر افکار و اذهان می‌دانستند تا مقدمه‌ای برای خروج از زیر بار ظلم گردد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۴۴). هم‌چنان که حضرت آیه‌الله خامنه‌ای با مبنا قراردادن این اصل معتقدند:

در داخل همه آحاد و جناح‌های ملت موظفند که با دقت و احتیاطی تمام، نیروها را در یک راه و به سوی یک هدف بسیج کرده و از تشتت و تفرقه که موجب هرزرفتن بخشی از نیروهاست، به شدت بپرهیزند و در خارج از هر گونه رابطه و پیمان و مودتی که جهان اسلام را در خطر فرودست شدن و از استقلال محروم‌ماندن قرار بدهد، اجتناب ورزند (خامنه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱).

بر این اساس، مبدأ حرکت در گام اول، حالت و زمانی است که ملت بعد از یک دوره طولانی پذیرش ظلم و استبداد نیاز به آگاهی و بیداری دارد و امام بر اساس مبانی قرآنی و دینی با اقدامات مختلف سعی در ایجاد محرک؛ یعنی تحول فکری و روحی در جامعه (سطوح فردی و جمعی) بود.

این در حالی است که در گام دوم، مبدأ حرکت ما ارتقا پیدا کرده است و جامعه به نوعی به آگاهی و بیداری دست پیدا کرده است و محرک‌های آن، دایره وسیع‌تری غیر از انگیزه‌های الهی، مواردی از قبیل اخلاق و معنویت و نیز علم و پژوهش را شامل می‌شود.

علم و پژوهش

از افتخارات اسلام این است که کارش را با قرائت و علم و قلم شروع کرد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۵۳۴). قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴: «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛ به پیامبر ﷺ امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن؛ مانند بقره (۲): ۲۸۰، نحل (۱۶): ۹۵، آل عمران (۳): ۱۹۰، انعام (۶): ۱۱، یونس (۱۰): ۵، عنکبوت (۲۹): ۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق، بیان‌گر اهمیت علم در قرآن است. سفارش‌های مکرر پیامبر ﷺ در باره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهش‌گران شده است (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۲۰). روایاتی مانند:

خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند (بخاری، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۸).

فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند (کلینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۴).

دانشمندان وارثان پیامبران‌اند و نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند (فیض کاشانی، ۱۳۶۱، ص ۱۴-۱۳).

این‌ها بیان‌گر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت ﷺ است. پیامبر ﷺ برای آزادکردن بعضی از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را با سواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند (حسن، ۱۳۸۷، ص ۴۵۴). اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث گردید مسلمانان در صدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی بر آیند و به گسترش تعلیم و تربیت پردازند (قربانی، ۱۳۷۰، ص ۶۵).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه

صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان بسیار تأکید می‌کنند که علم را باید فرا گرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و نباید به مصرف آن بسنده کرد.

روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح؛ یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت، تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید طرفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان در باره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوء استفاده از علم، استفاده غیر انسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰). از آن‌جا که ما در مسیر تمدن‌سازی اسلامی پیش می‌رویم، علمی را محرک می‌دانیم که همراه معنویت و اخلاق بوده و مسیر تمدن‌سازی را هموار سازد.

اخلاق و معنویت

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال

پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (ابن مسکویه، ۱۳۷۵، ص ۲۷ و طوسی، ۱۳۷۴، ص ۴۸). قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ش ۵، ص ۸۸). اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت، چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کم‌ترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کم‌ترین آسیب خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

ایشان تخلق به اخلاق الهی را هدف اصلی و کارهای دیگر را مقدمه برای آن می‌دانند و چنین می‌فرمایند:

فایده اساسی و هدف اصلی این است که انسان‌ها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله مقدمه برای کار دیگر نیست، کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل مقدمه تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسان‌هاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است: «إِنَّمَا بَعَثَ لِاتِّمَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۸۲ و خامنه‌ای ۱۳۹۲/۱۲/۹).

برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب‌ها را شناخت و برای رفع آنها راه‌کارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحران‌هایی را در جامعه نظاره‌گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جست‌وجو می‌کند، غافل از این‌که ریشه نابسامانی‌ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره‌جویی کرد. رهبر

فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند:

ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیش‌تر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۸/۱۳).

ناظر به نگاه مقام معظم رهبری، معنویت کلیدواژه اصلی در خودسازی فردی و اجتماعی است. معنویت راهبرد ایشان در تربیت جامعه و اعتلای امت اسلامی است و بر این اعتقادند که عنصر «تقوا» برآورنده همه آن‌چه خواهد بود که مربوط به ساحت معنویت و سطوح مرتبط با آن است. از این‌رو، بر تقوای اجتماعی در کنار تقوای فردی تکیه و تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹) و اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی را نیز ایمان دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۴). ناگفته نماند که معنویت در اندیشه رهبری به این معنا است: «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۱) و در تبیین مراتب والاتر این نوع ارتباط با خداوند می‌فرمایند: «مجدوب‌شدن در مقابل لطف الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۲/۱) و ریشه حدوث معنویت را نهفته در «راز و نیاز با خدا و ارتباط دل‌ها با خدای متعال» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۷) دانسته است و لوازم خارجی ارتباط با خدا را «فریب ظواهر دنیا را نخوردن و دل‌بستگی به زر و زیور و زخارف دنیا پیدا نکردن» (همان) قلمداد کرده‌اند. بدین جهت ضرورت حضور معنویت و ظهور آن در همه ابعاد حیات انسانی امری روشن بوده و اهمیت راهبردی معنویت در تعالی فرد و جامعه مسأله‌ای آشکار است. این در حالی است که مکاتب غربی از معنویت که نیاز واقعی و اساسی انسان است، غفلت کرده و به نیازهای مادی می‌پردازند و آن‌ها را نیازهای اصلی جلوه می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۲).

مقصد (مقاصد)

دو مؤلفه عدالت و اقتصاد مطروحه از جانب مقام معظم رهبری را؛ هم می‌توان در محرک‌ها مورد تبیین و واکاوی قرار داد و هم می‌توان در مقاصد و اهداف میان‌مدت،

ولی در این پژوهش با توجه به تناسبی که میان مقاصد انقلاب و تعریف مطرح شده از مقصد در اول مقاله بیان شد، این دو مؤلفه را در مقاصد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مقاصد کوتاه‌مدت

منظور ما از مقاصد کوتاه‌مدت این است که فرصت‌ها و تهدیدهایی که له و علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، به گونه‌ای که با برنامه کوتاه‌مدت می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و یا آن‌ها را دفع کرد را باید شناسایی کرد تا هم از منفعت فرصت‌ها به بهترین وجه بهره‌مند شویم و هم از تهدیدهای پیش‌رو کم‌ترین آسیب را ببینیم که در این میان، با توجه به مطرح شدن اقتصاد مقاومتی از سوی آیه‌الله خامنه‌ای، به نظر می‌رسد اقتصاد، مهم‌ترین عرصه تأثیرپذیر است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

اقتصاد

با تصور واژه «اقتصاد» شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «اقتصاد مقاومتی» به ذهن متبادر نشود، اقتصاد مقاومتی که دارای اهمیت فراوانی است، یکی از آرمان‌های نظام اسلامی به شمار می‌آید (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶، ص ۸۶۸). به همین دلیل، آنچه که اقتضای بحث است، این است که برخی از ارکان اقتصاد مقاومتی را که می‌تواند به عنوان اهداف کوتاه‌مدت در مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی مورد لحاظ و توجه قرار داد، مورد تبیین و واکاوی قرار می‌دهیم.

مقاوم‌بودن اقتصاد

معظم له در این زمینه می‌فرمایند:

وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم‌بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

مقام معظم رهبری معتقدند:

وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساخت‌های اقتصادی صحیح و مستحکم بنا می‌شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور به وجود می‌آید، کشور از اعتلای سیاسی؛ هم در داخل و هم در خارج برخوردار می‌شود (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶، ص ۸۵۷).

استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی در اقتصاد

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای معتقد به نقش‌آفرینی کلیدی مردم و بخش خصوصی در مؤلفه اقتصاد می‌باشند:

بخش خصوصی را باید کمک کرد. این‌که ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است، همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای این‌که به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالأخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کم‌تر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی است.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از

این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱/۱).

از نظر آیة‌الله خامنه‌ای، سهم مردم در رونق تولید، مصرف تولیدات داخلی است. ایشان سهم مردم را مهم‌تر از دولت و سرمایه‌گزاران می‌دانند. ایشان معتقدند خواست مردم خواست و رفتار عمومی مردم بر همه مسائل و من جمله مسأله تولید اثر اصلی و محوری دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۱).

حمایت از تولید ملی

با توجه به این که ایران ام‌القرای اسلام است، باید تمام اقدامات در جهت تقویت آن صورت بگیرد. به همین جهت است که یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است:

صنعت و کشاورزی. خب، آمارهایی که آقایان می‌دهند، آمارهای خوبی است؛ لیکن از آن طرف هم از داخل دولت، خود مسؤولین به ما می‌گویند که بعضی کارخانه‌ها دچار مشکلند، اختلال دارند، در بعضی جاها تعطیلی صنایع وجود دارد - گزارش‌های گوناگونی به ما می‌رسد، خود شما هم گزارش می‌دهید؛ یعنی من گزارش‌های دیگر هم دارم، اما اتکای من به گزارش‌های دیگران نیست؛ گزارش‌های خود شما هم هست که به دست ما می‌رسد - خب، باید این را علاج کرد. این‌ها طبعاً ایجاد اشکال می‌کند. اگر چنانچه همین بخش دوم قضیه - یعنی آن نیمه خالی لیوان - نمی‌بود، شما امروز از لحاظ رونق اقتصادی، وضع بهتری را در کشور ارائه می‌کردید و کمک‌های بیشتری به مردم می‌شد. بالأخره حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

ایشان یکی از وجوه حمایت از تولیدات داخلی را مصرف تولیدات داخلی می‌دانند که باید توسط عامه مردم مورد توجه قرار بگیرد:

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد، اصرار بر این داشته باشید، خود این، یک قدم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگویید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من این‌ها می‌تواند کمک کند (همان).

مدیریت منابع ارزی

مسئله منابع ارزی هم مسئله مهمی است که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه، در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسؤول، یک جور گفته شد، فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال، منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود (همان).

مدیریت مصرف

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیش‌تر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه؛ هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسؤولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسؤولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود (همان).

ایشان وضعیت جامعه ما در مصرف نعمات الهی را مطلوب نمی‌دانند. از نظر ایشان ما در زمینه مصرف، در زمینه هزینه‌کردن منابع مالی کشور دچار نوعی بی‌توجهی هستیم. ایشان چند مصداق مهم بر این وضعیت را در ضایعات نان، تلفات آب، اتلاف انرژی، مهریه‌های بالا، خرید طلا و زیورآلات و وسایل زندگی رنگارنگ، اسراف در ثروت عمومی، منابع طبیعی، اسراف در مواد غذایی، اسراف در مواد دارویی، ... و اسراف در تبلیغات می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۱).

به‌روزیبودن اقتصاد

یکی از مواردی که با ظرافت خاصی مورد عنایت حضرت آیه‌الله خامنه‌ای می‌باشد، توجه به، به‌روزیبودن اقتصاد و در نظر گرفتن اقتضائات روز در مسأله اقتصاد می‌باشد. ایشان در این زمینه در ذیل تفسیر آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال می‌فرماید:

کشور باید مصونیت پیدا کند، مسؤولان کشور باید کشور را مصونیت بدهند، همه این کارهایی که دولت در زمینه اقتصاد و... بناست انجام بدهد یا انجام داده، این احتیاج دارد به این‌که کشور مصونیت داشته باشد. این مصونیت باید به وجود بیاید یا اگر هست افزایش پیدا کند، این توانمندی‌ها باید روز به روز افزایش پیدا کند. این همانی است که در قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ «قوه» شامل همه این‌هاست و فقط شامل سلاح و تفنگ و... نیست، قوه اعم است که قوه مادی و معنوی، قوه اقتصادی و نظامی، قوه علمی و اخلاقی، هرچه می‌توانید قوه را زیاد کنید، این کاری است که باید انجام دهیم؛ البته آن هم به عهده خود ما است؛ یعنی کسانی که باید این کار را انجام بدهند، ما مسؤولان هستیم، مردم به تبع ما وارد میدان می‌شوند و کار می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۲/۱۶).

مقاصد میان‌مدت

از میان مؤلفه‌های مطرح‌شده از سوی مقام معظم رهبری، می‌توان استقلال و آزادی را به عنوان مقاصد میان‌مدت به حساب آورد که باید با برنامه‌ریزی به آن دست یافت؛

چرا که استقلال در ابعاد مختلفی از جمله استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال علمی، استقلال فرهنگی، استقلال ملی، استقلال فکری و ... قابل پی‌گیری و تبیین می‌باشد.

استقلال

از منظر آیه‌الله خامنه‌ای استقلال را می‌توان از زوایا و ابعاد مختلفی مطرح کرد. اما با توجه به الگوی حرکت، همه ابعاد استقلال در عین این‌که می‌توانند به عنوان اهداف میان‌مدت مورد بحث و واکاوی قرار بگیرند، برای ادامه مسیر و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی می‌توانند به عنوان محرک هم ایفای نقش کنند؛ با این توضیح که حصول استقلال موجب ایجاد روحیه امید و خودباوری در میان مردم و مسؤولان شده و انرژی و توان و انگیزه آن‌ها را برای ادامه حرکت در مسیر تمدن‌سازی افزایش می‌دهد.

با پشتوانه بیانات مقام معظم رهبری و به استناد تاریخ می‌توان گفت که استقلال و آزادی یکی از اهداف ملت ایران از انقلاب بوده است و این هدف در قالب صدور انقلاب به سایر بلاد اسلامی و غیر اسلامی هم ورود پیدا کرده است؛ چنان‌که امروز شاهد تحرک ملت‌ها در کشورهای مختلف هستیم.

هدف ملت ایران - که از هر کسی که سؤال می‌کردیم، به زبان‌های گوناگون این هدف را می‌گفت - این بود که بتواند در سایه اسلام، استقلال و آزادی به دست بیاورد. این شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که در دوران انقلاب رایج بود، حرف دل مردم بود و مردم این را می‌خواستند. مردم می‌دیدند که این کشور با این عظمت، حکامش و زمام‌دارانش استقلال رأی ندارند، تابع بیگانه و تابع قدرت‌های مستکبرند و طوق اطاعت آن‌ها را به گردن انداخته‌اند، در مقابل آن‌ها ضعیف و غیر مستقل، اما نسبت به مردم خودشان سخت‌گیر، متفرعن و با آن‌ها با فشار و سخت‌گیری و زور رفتار می‌کردند؛... مردم خواستند استقلال به دست بیاورند، آزادی داشته باشند، عزت ملی‌شان را تأمین کنند، سعادت و رفاه دنیوی و سربلندی معنوی و

اخروی را به دست بیاورند؛ این آرزوی مردم بود و وارد این میدان شدند
(خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱).

حضرت آیه‌الله خامنه‌ای پیرامون این که استقلال مورد نظر و مورد هدف آن‌ها
چیست، این‌گونه می‌فرماید:

استقلال یعنی این‌که ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل
قدرت‌های بیگانه را قبول کنند. بیگانگان هرچه خواستند، بر طبق میل آن‌ها
انجام شود، اگر آن‌ها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند، اگر به
منابع ملی کشور تعرض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند، اگر ملت هم
مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی،
خود ما با پوست و گوشت و جسم و جان خود آن را لمس کردیم. انقلاب
آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا
نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند
(خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

ایشان هم‌چنین در مورد نیازمندی و هدف‌بودن انواع استقلال می‌فرماید:

یکی از ارزش‌ها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم
می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا
آمریکا نباشد، از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته به کمپانی‌های جهانی
نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با
فرهنگ عمیق و غنی که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه
نباشد. ما آن‌چه را که فهمیده‌ایم، آن‌چه را که تکلیف‌مان است، آن‌چه را که
می‌دانیم خدای متعال آن را می‌خواهد، آن را می‌گوییم، آن را انتخاب می‌کنیم
و آن راه را می‌رویم. کسی نمی‌تواند روی ملت و دولت و نظام جمهوری
اسلامی ایران و خدمت‌گزاران شما مردم، تأثیری بگذارد. این، استقلال
سیاسی است و ما این را به دست آورده‌ایم (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

ایشان در مورد توجه به استقلال اقتصادی که یکی از وجوه مهم استقلال و یکی از

اهداف انقلاب اسلامی بود، می‌فرماید:

از این مشکل‌تر، «استقلال اقتصادی» است. استقلال اقتصادی؛ یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود، روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد، معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا داد و ستد نمی‌کند، نه، داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله‌کردن، گفت‌وگوی تجاری‌کردن، این‌ها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً، نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتواند او را به آسانی کنار بگذارند، نتواند او را به آسانی محاصره کنند، نتواند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۲/۱۵).

آزادی

مؤلفه دیگری که در مبحث اهداف میان‌مدت می‌توان مورد واکاوی و تبیین قرار داد، آزادی است؛ نقطه عزیمت دیدگاه مقام معظم رهبری در باره آزادی، هستی‌شناسی است. معظم له آزادی را یک امر ضروری و در شماره حقوق طبیعی و اولیه بشر می‌داند و نعمتی است از طرف خداوند. ایشان معتقد است جامعه اسلامی باید در مفهوم آزادی مستقل از غرب و شرق بیندیشد و آزادی را به معنای آزادی از غیر خدا تعریف می‌کنند و در نهایت آزادی سیاسی را به نقش و مشارکت مردم در نظام سیاسی تعریف می‌کنند.

مقاصد درازمدت

مقاصد درازمدت را می‌توان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور ولایت عظمی خلاصه کرد. از منظر آیه‌الله خامنه‌ای هستی و جهان هرگز تک‌بعدی نیست و نخواهد بود. روح الهی در تمام ساحات هستی در جریان است و البته که تمدن نوین اسلامی نیز از این بُعد الهی خالی نیست. تمدن نوین اسلامی در دیدگاه

آیه‌الله خامنه‌ای دو بعدی است؛ یعنی هم شامل ساحت مادی است و هم معنوی و البته که بُعد معنوی است که از اصالت برخوردار بوده و بنیان ابعاد مادی به حساب می‌آید (همان، ۱۳۹۸/۳/۱).

از مجموعه بیانات آیه‌الله خامنه‌ای، حداقل دو مطلب مهم دریافت می‌گردد: اول آن‌که رسالت تحقق تمدن نوین اسلامی تنها بر دوش ملت ایران نیست، بلکه برای برپایی این آرمان، لازم است تمام امت اسلامی به صورت یک‌پارچه و با بذل توان حداکثری خود بکوشند. دومین مطلب آن است که وقتی این تمدن طراحی و شالوده‌ریزی شد و در نهایت به ثمر رسید، به تمام جهان عرضه خواهد شد. یعنی تمدن نوین اسلامی آفاقی است و تمام بشریت را در بر خواهد گرفت. در واقع، اگر این فراز از فرمایش آیه‌الله خامنه‌ای در قالب چارچوب نظری این نوشتار صورت‌بندی گردد، باید گفت که تمدن نوین اسلامی در سپهر اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای به لحاظ معرفت‌شناسی مختص گروهی خاص نبوده و تمدن نوین اسلامی برای تمام بشریت عرضه خواهد شد و آفاق عالم را در خواهد نوردید (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

ایشان در فرازی از فرمایشات خود می‌فرمایند:

... دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است، نقطه متعالی و والایی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسایی این نقطه است که می‌توان نقشه راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهایی نمی‌تواند چیزی کم‌تر از ایجاد تمدن درخشان اسلامی باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹).

در این بیان، آیه‌الله خامنه‌ای به صراحت تأکید می‌کنند که هدف غایی تمدن نوین

اسلامی، بهره‌مندی آفاق بشریت از هردو بُعد نعمت‌های مادی و معنوی است که خداوند آن‌ها را با هدف به‌سعدت‌رساندن در اختیار تمامی انسان‌ها قرار داده است. به عبارت دیگر، تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای از لحاظ غایت‌شناسی معطوف به سعادت‌طلبی است؛ یعنی تمامی اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت تمدن نوین اسلامی باید در راستای رسیدن به آن قرار گیرد. به عبارت دیگر، سمت و سوی سیاست‌گذاری در تمدن نوین اسلامی باید به سوی هدف غایی که همان سعادت‌طلبی است، میل کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

متحرک

متحرک این حرکت عظیم، سه دسته یا سه گروه می‌توانند باشند: جوانان، جامعه ایران و امت اسلام که البته جوانان مخاطب اصلی مقام معظم رهبری در این بیانیه هستند:

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسؤولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم).

امام خمینی 1 در این زمینه می‌فرماید:

من برای آن‌که شما جوانان شایسته‌ای هستید، علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را در یابید (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۴۱۱).

جوانان باید با آگاهی از ظرفیت‌های کشور و توجه به اقتضائات زمان، در صدد آگاهی‌بخشی به جامعه برای استفاده از ظرفیت‌های عظیم کشور باشند و مسؤولان را به استفاده از این ظرفیت‌ها تشویق کنند. رهبر انقلاب دو ویژگی اساسی را متذکر می‌شوند: «همت بلند» و «انگیزه‌های انقلابی جوانان». مسؤولان و افراد جامعه باید مراقب باشند که آن‌ها تضعیف نشوند. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در مورد نقش مؤثر و قابل توجه جوانان در آینده نظام اسلامی و نیز در راستای ارتقای قدرت این نظام در قالب بیانیه گام دوم می‌فرماید:

این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکتند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱).

اما دسته دومی که ذیل عنوان متحرک مورد توجه قرار می‌گیرد، جامعه و ملت ایران است؛ چرا که ایران خواست‌گاہ و موطن اصلی انقلاب اسلامی بوده است و مردم ایران در راستای رسیدن به تمدن اسلامی و فراهم‌کردن مقدمات ظهور ولایت عظمی مسؤولیتی بزرگ بر عهده دارند و این مطلب بارها مورد تأکید بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و هم‌چنین حضرت آیه‌الله خامنه‌ای بوده است. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

این انقلاب یک خیز بلندی بود که ملت ایران برداشت، برای این که خود را از ذلت وابستگی و عقب‌ماندگی نجات بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

و در نهایت، سومین متحرک که در راستای تحقق بیانیه گام دوم می‌توان مورد تأکید و توجه قرار داد، امت اسلام هستند که در کلام امامین انقلاب به کرات مورد توجه واقع شده است. امام خامنه‌ای در مورد توان امت اسلام برای پیشرفت و تمدن‌سازی می‌فرماید:

امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۳).

زمان و مکان

همان‌گونه که از نام بیانیه می‌توان فهمید که این بیانیه در راستای تحقق آرمان‌های

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت طراحی شده است و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در موعد مشخص شده، معین می‌سازد که البته این هدف‌ها با ایمان استوار و عزم راسخ و تلاش عظیم و مدبرانه مردم و مسئولان جمهوری اسلامی ایران اجرا خواهد شد.

از آن جا که اصل چهارم بیانیه «اصل آینده‌نگری» است، عنوان گام دوم بر بیانیه، مُشعر به آن است که بیانیه مبتنی بر آینده‌پژوهی است. قرآن در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خداوند شرایط و حال قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که خودشان حال خود را تغییر دهند.

و روشن است که تغییرات ارادی در افق آینده هستند.

با دقت در متن بیانیه می‌توان فهمید که مکان و مهد این حرکت عظیم به سمت تمدن نوین اسلامی سرزمین ایران است:

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است از آن قیام، آن نتیجه بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و نشاط حرکت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۵).

معظم له بر این نکته تأکید دارند که نقطه شروع این حرکت عظیم، ایران بوده است و در آینده نیز ادامه این حرکت بر عهده ایران و ایرانیان است:

قیام ملت ایران توانست مسلمانان نقاط مختلف دنیای اسلام و کشورهای اسلامی را متوجه خود کند و به آن‌ها تکان سختی بدهد، خیلی‌ها را از خواب بیدار کرد و جوان‌ها را هم متوجه آرمان‌های دست‌یافتنی کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

در واقع تشکیل نظام جمهوری اسلامی، پاسخی بود به نیاز بلندمدت تاریخی ملت ایران. ملت ایران از دل آرزوهای تاریخی خودشان، جمهوری اسلامی را علم کردند و سر پا کردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

ایشان معتقد است که نقطه مرکزی حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی از ایران شروع شده و در آینده نیز ایران نقطه مرکزی و مکان این حرکت خواهد بود. همه

آنچه در تحلیل‌های دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه مرکزی مشاهده می‌شود، این است که این نسل جوان و پُرشور و آینده‌ساز را از راه‌های مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه آینده ناتوان کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۶/۲۶). اما نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد و مورد تحلیل نادرست قرار نگیرد، این است که اگر ایران به عنوان نقطه مرکزی و ثقل این حرکت در نظر گرفته می‌شود، در راستای ارائه مدل و نمونه‌ای موفق به جهانیان و در نتیجه پیاده‌کردن این مدل موفق در جهان و زمینه‌سازی برای ظهور ولایت عظمی می‌باشد:

در یک جمله، به طور خلاصه باید بگوییم که راه ملت ایران در آینده، همان راه امام و انقلاب و ایستادگی و مقاومت در مقابل تحمیل ابرقدرت‌ها و دفاع از مستضعفین و مظلومین و دفاع از اسلام و قرآن و برافراشتن پرچم اسلام و قرآن در سطح عالم است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۳/۱۴).

برای ایران ۱۴۴۴ اموری از جمله تداوم رهبری فقیه، عادل و توانمند، پیش‌تازی در تولید علوم انسانی اسلامی، قرارگرفتن در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، حاکمیت ملی و استقلال و ... را می‌توان نام برد که این امور با تحقق وعده‌های الهی در مورد ملت ایران امکان‌پذیر می‌باشد (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). با تأمل در متن بیانیه گام دوم انقلاب و نیز متن الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و هم‌چنین با توجه به این‌که گام اول انقلاب در یک بازه زمانی ۴۰ ساله توسط حضرت آیه‌الله خامنه‌ای در نظر گرفته شده، می‌توان گفت که گام دوم انقلاب برای یک بازه زمانی نزدیک به ۵۰ سال طراحی شده است که در این بازه زمانی، ایران در زمینه‌های مختلف مشارکت عمومی، امنیت، علوم، محیط زیست، استقلال و ... در عالی‌ترین مراتب و درجات قرار داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، بیانیه گام دوم با استفاده از الگوی حرکت علامه که مؤلفه‌های شش‌گانه در راستای حرکت و پیشرفت را مورد تبیین قرار می‌دهد، مورد تحلیل واقع شده

است و مؤلفه‌های شش‌گانه در قالب مبدأ، محرک، مقصد، متحرک، زمان و مکان مورد تبیین واقع شده است. وجه تمایز این نوشتار با سایر پژوهش‌هایی که در مورد بیانیه گام دوم صورت گرفته این است که اولاً در قالب خاص یک الگوی تمدنی تحت عنوان الگوی حرکت علامه طباطبایی به تبیین بیانیه پرداخته و ثانیاً پیوندی میان بیانیه گام دوم و سایر مباحث مطرح‌شده از ناحیه مقام معظم رهبری که مرتبط با رئوس بیانیه است، ایجاد کرده است. اولین یافته‌ای که از پژوهش حاضر به دست می‌آید، این است که مبدأ حرکت در گام دوم انقلاب، ارتقا یافته است و هم‌چنین مواردی هم‌چون اخلاق، معنویت و نیز علم و پژوهش به محرک‌های انقلاب افزوده شده است. در بخش مقاصد سه‌گانه انقلاب در گام دوم، مواردی از قبیل اقتصاد، استقلال و آزادی را بیان کردیم. در بخش متحرک، در کنار جامعه ایران و امت اسلام، جوانان به عنوان مخاطب خاص مورد خطاب مقام معظم رهبری هستند. مکان تحقق بیانیه گام دوم، سرزمین اسلامی ایران و زمان در نظر گرفته‌شده برای اجرای گام دوم، افق ۱۴۴۴ است. با توجه به اهمیت این بیانیه، پیشنهاد می‌شود که محققین و پژوهش‌گران از زوایای مختلف به این بیانیه بپردازند، به امید این‌که این پژوهش‌ها چراغ راه تحقق تمدن نوین اسلامی و مقدمه‌ساز ظهور ولایت عظمی قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و طهارة العراق، ترجمه محمد بن ابوالقاسم موسوی زنجانی (کیمیای سعادت)، تهران: چاپ ابوالقاسم امامی، ۱۳۷۵.
۳. اکبری، مرتضی، درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران، ایلام: جوهر حیات، ۱۳۹۰.
۴. اکبری، مرتضی و فریدون، رضایی، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، دوفصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی، دوره سوم، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۱ و ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۱۳۸۵.

۶. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح بخاری، ج ۱، ترکیه: انتشارات معاصر استانبول، ۱۹۸۱ م.
۷. حسن، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان، ج ۲، ۱۳۸۷.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مسؤولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، منظومه فکری آیه الله العظمی خامنه‌ای، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۱. دهشیری، محمدرضا، «نظریه انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، مجله حضور، ش ۲۶، ۱۳۷۷.
۱۲. دهقانی، محسن، فروغ حکمت (شرح نهایة الحکمة علامه طباطبایی)، ج ۲، قم: انتشارات پارسایان، ۱۳۷۷.
۱۳. سایت مقام معظم رهبری، Khamenei.ir.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، نهایة الحکمة، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۸.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، نهایة الحکمة، ویراستاری غلامرضا فیاضی، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۵، ۱۳۸۹.
۱۶. طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، ترجمه مجتبی مینوی طهرانی، تهران: نشر خوارزمی، ج ۲، ۱۳۷۴.
۱۷. فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی، کتاب العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، تهران: بی نا، ۱۳۶۱.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۱، ۱۳۸۳.
۱۹. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تعلیقات محمد آخوندی، ج ۱ و ۲، تهران: حیدری، ۱۳۷۳.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.